

سرقاله

چالش آب در چاه مدیریت

محمد رفیع

در سایت روزنامه بخوانید:

در میانه ۱۵ سالگی بومد که با پدر به زمین‌های آب‌ و اجدادی که از کودکی مامنی برای شیطنت‌هایم بود، سر زدیم. در شهر من، ذرفول، زمین‌های ما یکی از بهترین زمین‌های کشاورزی منطقه محسوب می‌شود؛ به دلیل نزدیکی آنها به رودخانه دز و قرقرگیری در مسیر

پیوند دز و کرخه به آنها اراضی «زیرمهده» به معنی پایین‌دست رودخانه اطلاق می‌شود اما آن روز آنچه در این اراضی دیدم مرا شگفت‌زده کرد.

اراضی‌ای که روزگاری سرسبز و خرم بودند و آنقدر آب داشتند که

گاهی برنج معطر عنبربو در آن کشت می‌شد، آن روز به شوهرزاری پر از سنگ بدل شده بود و به جای درختان کنار سر به فلک کشیده‌اش و جیک‌جیک گنجشکان صدای گوش‌خراش یک کرپیشن (دستگاه خریدکن تولید شن و ماسه) به گوش می‌رسید.

اولین مواجه من با خشکسالی اصلا روی خوشی نداشت؛ زیرا به واقع درک کردم که اگر فکری به حال آب به غارت‌رفته دز و کرخه نشود از کشاورزی در این دیار زر خیز چیزی باقی نمی‌ماند. یادم می‌آید پدر به والی روستا زنگ زد و از او توضیح خواست؛ به هر حال پدر سالها بود که به آن منطقه سر نزده بود و تنها اجاره اندکی که از سوی والی به زمین‌هایم ریخته می‌شد خط پیوند او با زمین‌های اجدادی اش بود.

والی روستا آمد و پدر را به آرامش دعوت کرد. با اینکه از نگاهش مشخص بود که دوست نداشت ما بدون اجازه او بر سر زمین‌های خود حاضر شویم، از روزگار و کاهش دبی آب رودخانه گمت و یادآور شد که روزگاری است که آب این استان به استان‌های همجوار می‌رود و به همین دلیل آبى در رودخانه نیست که بتوان با آن آب به کشاورزی پرداخت.

سال‌ها بعد از این اتفاق یادم می‌آید که در خوزستان نهضتی شکل گرفت برای جلوگیری از انتقال آب سرچشمه‌های دز، کارون و کرخه به استان‌های همجوار که در این نهضت استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد نیز با مردم خوزستان هم‌صدا شدند تا شاید جلوی انتقال آب به استان پرمصرف اصفهان را بگیرند؛ اما آنچه روی داد این بود که دولت وقت به جای مدیریت این اعتراض دست به کار شد و مجوز حفر چاه برای برداشت از آب‌های زیر زمینی استان را صادر کرد. چند سالی آب به آسانی از چاهای زیر سطحی برداشت شد؛ اما سطح آب چاه روز به روز پایین‌تر می‌رفت و دیگر آبی به رودخانه سررازیز نمی شد که برداشت‌ها جبران شود. در نتیجه، دوباره زمزمه‌های اعتراض اهالی بالا گرفت. این بار نیز مთم اصلی استان‌های قم و اصفهان بودند که به گفته اهالی با «لابی‌گری» به منابع آبی استان خوزستان و دیگر استان‌ها دست‌درازی می‌کنند.

این حرکت اعتراضی سرانجام منجر به سلسله تجمعات مردمی در ساحل غربی رود کارون در اهواز شد که به «زنجیره انسانی حمایت از کارون» شناخته می‌شود. مردم خوزستان در اعتراض به انتقال آب رودخانه کارون به زاینده‌رود اصفهان با تشکیل زنجیره انسانی مخالفت خود را نسبت به طرح انتقال آب (طرح بهشت‌آباد) اعلام کردند. فعالان محیط زیست گفتند که این انتقال آب، دبی یا آورد رودخانه‌های منتهی به جلگه خوزستان و خلیج فارس را به‌شدت کاهش می‌دهد. همچنین با اجرای نصف و نیمه این طرح، برای نخستین بار عمق متوسط رودخانه کارون یک متر در مقاطع افراط رسید و شوری رودخانه به‌شدت افزایش یافت.

البته اختلافات بر سر آب با این اعتراضات و زنجیره‌های مسالمت‌آمیز نه در خوزستان ما به پایان رسید و نه در دیگر نقاط استان‌های همجوار مانند چهارمحال و بختیاری، حتی براساس آنچه امیرهاشمی مقدم، خبرنگار فعال در استان چهارمحال و بختیاری گزارش کرده است در سال‌های اخیر بارها و دیگری‌های مرگبار بر سر آب در این استان رخ داده است.

اصفهانى‌ها از یکسو استدلال می‌کنند که بخش قابل توجهی از جمعیت شهر و استان اصفهان را بختیاری‌ها و مهاجران جنگ تحمیلی که به استان خود بازگشته‌اند، تشکیل می‌دهند (برآورد می‌شود حدود یک‌سوم از جمعیت شهر اصفهان و شهرهایی همچون زرین‌شهر، ورنامخواست، چمگردان، فولادشهر، شاهین‌شهر، ملکشهر و… اصالتا بختیاری یا از نوادگان خوزستانی مقیم‌شده در آن دیار باشند) و بنابراین بخشی از آب اصفهان را همین‌ها مصرف می‌کنند. همچنین به گونه‌ای با رسانه‌ها لابی‌گری می‌کنند که انکار خوزستان و استان‌های پایین‌دست رودخانه‌ها آب مزاد دارند و آنها آبی حتی برای خوردن ندارند. از سوی دیگر، بختیاری‌های خوزستانی یا استان چهارمحال هم استدلال می‌کنند که بسیاری از مناطق استان خوزستان چهارمحال و بختیاری که فعالیت اصلی ساکنانش کشاورزی است، یا کمبود می‌شود که واقعا مناسب این مناطق نیست.

سپس استان‌های هم‌جوار.

اما در حقیقت هر دو گروه، تنها بخشی از داستان را بازگو می‌کنند و نه همه آن را؛ از یک سو، بخش زیادی از آب زاینده‌رود به مصرف کارخانه‌های آبربری همچون ذوب‌آهن، فولاد مبارکه، سیمان سپاهان، صنایع دفاع، پلی اکریل و… می‌رسد که واقعا چنانمی این همه کارخانه در منطقه خشک و کویری اصفهان، توجهی ندارد. از سوی دیگر، الگوهای کشت و آبیاری در بیشتر نقاط همچنان سنتی و همراه با هدررفت بالاست. در هر دو استان هم محصولات آبربری همچون برنج در مقیاس گسترده کشت می‌شود که واقعا مناسب این مناطق نیست.

ادامه در صفحه ۴

ورود وزارت کشور به توقف فرایند صدور و تمدید کارت بازرگانی

معنی پایین‌دست رودخانه اطلاق می‌شود اما آن روز آنچه در این اراضی دیدم مرا شگفت‌زده کرد.

اراضی‌ای که روزگاری سرسبز و خرم بودند و آنقدر آب داشتند که

گاهی برنج معطر عنبربو در آن کشت می‌شد، آن روز به شوهرزاری پر از سنگ بدل شده بود و به جای درختان کنار سر به فلک کشیده‌اش و جیک‌جیک گنجشکان صدای گوش‌خراش یک کرپیشن (دستگاه خریدکن تولید شن و ماسه) به گوش می‌رسید.

اولین مواجه من با خشکسالی اصلا روی خوشی نداشت؛ زیرا به واقع درک کردم که اگر فکری به حال آب به غارت‌رفته دز و کرخه نشود از کشاورزی در این دیار زر خیز چیزی باقی نمی‌ماند. یادم می‌آید پدر به والی روستا زنگ زد و از او توضیح خواست؛ به هر حال پدر سالها بود که به آن منطقه سر نزده بود و تنها اجاره اندکی که از سوی والی به زمین‌هایم ریخته می‌شد خط پیوند او با زمین‌های اجدادی اش بود.

والی روستا آمد و پدر را به آرامش دعوت کرد. با اینکه از نگاهش مشخص بود که دوست نداشت ما بدون اجازه او بر سر زمین‌های خود حاضر شویم، از روزگار و کاهش دبی آب رودخانه گمت و یادآور شد که روزگاری است که آب این استان به استان‌های همجوار می‌رود و به همین دلیل آبى در رودخانه نیست که بتوان با آن آب به کشاورزی پرداخت.

سال‌ها بعد از این اتفاق یادم می‌آید که در خوزستان نهضتی شکل گرفت برای جلوگیری از انتقال آب سرچشمه‌های دز، کارون و کرخه به استان‌های همجوار که در این نهضت استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد نیز با مردم خوزستان هم‌صدا شدند تا شاید جلوی انتقال آب به استان پرمصرف اصفهان را بگیرند؛ اما آنچه روی داد این بود که دولت وقت به جای مدیریت این اعتراض دست به کار شد و مجوز حفر چاه برای برداشت از آب‌های زیر زمینی استان را صادر کرد.

چند سالی آب به آسانی از چاهای زیر سطحی برداشت شد؛ اما سطح آب چاه روز به روز پایین‌تر می‌رفت و دیگر آبی به رودخانه سررازیز نمی شد که برداشت‌ها جبران شود. در نتیجه، دوباره زمزمه‌های اعتراض اهالی بالا گرفت. این بار نیز متهم اصلی استان‌های قم و اصفهان بودند که به گفته اهالی با «لابی‌گری» به منابع آبی استان خوزستان و دیگر استان‌ها دست‌درازی می‌کنند.

این حرکت اعتراضی سرانجام منجر به سلسله تجمعات مردمی در ساحل غربی رود کارون در اهواز شد که به «زنجیره انسانی حمایت از کارون» شناخته می‌شود. مردم خوزستان در اعتراض به انتقال آب رودخانه کارون به زاینده‌رود اصفهان با تشکیل زنجیره انسانی مخالفت خود را نسبت به طرح انتقال آب (طرح بهشت‌آباد) اعلام کردند. فعالان محیط زیست گفتند که این انتقال آب، دبی یا آورد رودخانه‌های منتهی به جلگه خوزستان و خلیج فارس را به‌شدت کاهش می‌دهد. همچنین با اجرای نصف و نیمه این طرح، برای نخستین بار عمق متوسط رودخانه کارون یک متر در مقاطع افراط رسید و شوری رودخانه به‌شدت افزایش یافت.

البته اختلافات بر سر آب با این اعتراضات و زنجیره‌های مسالمت‌آمیز نه در خوزستان ما به پایان رسید و نه در دیگر نقاط استان‌های همجوار مانند چهارمحال و بختیاری، حتی براساس آنچه امیرهاشمی مقدم، خبرنگار فعال در استان چهارمحال و بختیاری گزارش کرده است در سال‌های اخیر بارها و دیگری‌های مرگبار بر سر آب در این استان رخ داده است.

اصفهانى‌ها از یکسو استدلال می‌کنند که بخش قابل توجهی از جمعیت شهر و استان اصفهان را بختیاری‌ها و مهاجران جنگ تحمیلی که به استان خود بازگشته‌اند، تشکیل می‌دهند (برآورد می‌شود حدود یک‌سوم از جمعیت شهر اصفهان و شهرهایی همچون زرین‌شهر، ورنامخواست، چمگردان، فولادشهر، شاهین‌شهر، ملکشهر و… اصالتا بختیاری یا از نوادگان خوزستانی مقیم‌شده در آن دیار باشند) و بنابراین بخشی از آب اصفهان را همین‌ها مصرف می‌کنند. همچنین به گونه‌ای با رسانه‌ها لابی‌گری می‌کنند که انکار خوزستان و استان‌های پایین‌دست رودخانه‌ها آب مزاد دارند و آنها آبی حتی برای خوردن ندارند. از سوی دیگر، بختیاری‌های خوزستانی یا استان چهارمحال هم استدلال می‌کنند که بسیاری از مناطق استان خوزستان چهارمحال و بختیاری که فعالیت اصلی ساکنانش کشاورزی است، یا کمبود می‌شود که واقعا مناسب این مناطق نیست.

سپس استان‌های هم‌جوار. اما در حقیقت هر دو گروه، تنها بخشی از داستان را بازگو می‌کنند و نه همه آن را؛ از یک سو، بخش زیادی از آب زاینده‌رود به مصرف کارخانه‌های آبربری همچون ذوب‌آهن، فولاد مبارکه، سیمان سپاهان، صنایع دفاع، پلی اکریل و… می‌رسد که واقعا چنانمی این همه کارخانه در منطقه خشک و کویری اصفهان، توجهی ندارد. از سوی دیگر، الگوهای کشت و آبیاری در بیشتر نقاط همچنان سنتی و همراه با هدررفت بالاست. در هر دو استان هم محصولات آبربری همچون برنج در مقیاس گسترده کشت می‌شود که واقعا مناسب این مناطق نیست.

این حرکت اعتراضی سرانجام منجر به سلسله تجمعات مردمی در ساحل غربی رود کارون در اهواز شد که به «زنجیره انسانی حمایت از کارون» شناخته می‌شود. مردم خوزستان در اعتراض به انتقال آب رودخانه کارون به زاینده‌رود اصفهان با تشکیل زنجیره انسانی مخالفت خود را نسبت به طرح انتقال آب (طرح بهشت‌آباد) اعلام کردند. فعالان محیط زیست گفتند که این انتقال آب، دبی یا آورد رودخانه‌های منتهی به جلگه خوزستان و خلیج فارس را به‌شدت کاهش می‌دهد. همچنین با اجرای نصف و نیمه این طرح، برای نخستین بار عمق متوسط رودخانه کارون یک متر در مقاطع افراط رسید و شوری رودخانه به‌شدت افزایش یافت.

البته اختلافات بر سر آب با این اعتراضات و زنجیره‌های مسالمت‌آمیز نه در خوزستان ما به پایان رسید و نه در دیگر نقاط استان‌های همجوار مانند چهارمحال و بختیاری، حتی براساس آنچه امیرهاشمی مقدم، خبرنگار فعال در استان چهارمحال و بختیاری گزارش کرده است در سال‌های اخیر بارها و دیگری‌های مرگبار بر سر آب در این استان رخ داده است.

اصفهانى‌ها از یکسو استدلال می‌کنند که بخش قابل توجهی از جمعیت شهر و استان اصفهان را بختیاری‌ها و مهاجران جنگ تحمیلی که به استان خود بازگشته‌اند، تشکیل می‌دهند (برآورد می‌شود حدود یک‌سوم از جمعیت شهر اصفهان و شهرهایی همچون زرین‌شهر، ورنامخواست، چمگردان، فولادشهر، شاهین‌شهر، ملکشهر و… اصالتا بختیاری یا از نوادگان خوزستانی مقیم‌شده در آن دیار باشند) و بنابراین بخشی از آب اصفهان را همین‌ها مصرف می‌کنند. همچنین به گونه‌ای با رسانه‌ها لابی‌گری می‌کنند که انکار خوزستان و استان‌های پایین‌دست رودخانه‌ها آب مزاد دارند و آنها آبی حتی برای خوردن ندارند. از سوی دیگر، بختیاری‌های خوزستانی یا استان چهارمحال هم استدلال می‌کنند که بسیاری از مناطق استان خوزستان چهارمحال و بختیاری که فعالیت اصلی ساکنانش کشاورزی است، یا کمبود می‌شود که واقعا مناسب این مناطق نیست.

سپس استان‌های هم‌جوار. اما در حقیقت هر دو گروه، تنها بخشی از داستان را بازگو می‌کنند و نه همه آن را؛ از یک سو، بخش زیادی از آب زاینده‌رود به مصرف کارخانه‌های آبربری همچون ذوب‌آهن، فولاد مبارکه، سیمان سپاهان، صنایع دفاع، پلی اکریل و… می‌رسد که واقعا چنانمی این همه کارخانه در منطقه خشک و کویری اصفهان، توجهی ندارد. از سوی دیگر، الگوهای کشت و آبیاری در بیشتر نقاط همچنان سنتی و همراه با هدررفت بالاست. در هر دو استان هم محصولات آبربری همچون برنج در مقیاس گسترده کشت می‌شود که واقعا مناسب این مناطق نیست.

این حرکت اعتراضی سرانجام منجر به سلسله تجمعات مردمی در ساحل غربی رود کارون در اهواز شد که به «زنجیره انسانی حمایت از کارون» شناخته می‌شود. مردم خوزستان در اعتراض به انتقال آب رودخانه کارون به زاینده‌رود اصفهان با تشکیل زنجیره انسانی مخالفت خود را نسبت به طرح انتقال آب (طرح بهشت‌آباد) اعلام کردند. فعالان محیط زیست گفتند که این انتقال آب، دبی یا آورد رودخانه‌های منتهی به جلگه خوزستان و خلیج فارس را به‌شدت کاهش می‌دهد. همچنین با اجرای نصف و نیمه این طرح، برای نخستین بار عمق متوسط رودخانه کارون یک متر در مقاطع افراط رسید و شوری رودخانه به‌شدت افزایش یافت.

البته اختلافات بر سر آب با این اعتراضات و زنجیره‌های مسالمت‌آمیز نه در خوزستان ما به پایان رسید و نه در دیگر نقاط استان‌های همجوار مانند چهارمحال و بختیاری، حتی براساس آنچه امیرهاشمی مقدم، خبرنگار فعال در استان چهارمحال و بختیاری گزارش کرده است در سال‌های اخیر بارها و دیگری‌های مرگبار بر سر آب در این استان رخ داده است.

اصفهانى‌ها از یکسو استدلال می‌کنند که بخش قابل توجهی از جمعیت شهر و استان اصفهان را بختیاری‌ها و مهاجران جنگ تحمیلی که به استان خود بازگشته‌اند، تشکیل می‌دهند (برآورد می‌شود حدود یک‌سوم از جمعیت شهر اصفهان و شهرهایی همچون زرین‌شهر، ورنامخواست، چمگردان، فولادشهر، شاهین‌شهر، ملکشهر و… اصالتا بختیاری یا از نوادگان خوزستانی مقیم‌شده در آن دیار باشند) و بنابراین بخشی از آب اصفهان را همین‌ها مصرف می‌کنند. همچنین به گونه‌ای با رسانه‌ها لابی‌گری می‌کنند که انکار خوزستان و استان‌های پایین‌دست رودخانه‌ها آب مزاد دارند و آنها آبی حتی برای خوردن ندارند. از سوی دیگر، بختیاری‌های خوزستانی یا استان چهارمحال هم استدلال می‌کنند که بسیاری از مناطق استان خوزستان چهارمحال و بختیاری که فعالیت اصلی ساکنانش کشاورزی است، یا کمبود می‌شود که واقعا مناسب این مناطق نیست.

عصر اقتصاد

www.asre-eghtesad.com

روزنامه بین المللی اقتصادی صبح ایران

یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ ۲۰ می ۲۰۲۱

۱۹ رمضان ۱۴۲۲ . سال هجدهم . شماره ۴۶۶۰

۸ صفحه . ۷۰۰۰ تومان

روزمعلم وفرارسیدن لیلای قدرآرکرامی می‌داریم



جهانگیری: در دولت ماندم که دیگر بابک زنجانی درست نشود

معاون اول رئیس‌جمهوری سرانجام به طور تفصیلی توضیح داد که چرا تا آخرین روزهای عمر دولت دوازدهم در سمت خود مانده‌است. اسحاق جهانگیری این توضیحات را جمعه‌شب در اتاق‌گفت‌وگویی پایگاه خبری انتخاب در شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس ارائه کرد.

انتقاد به ادامه حضور جهانگیری در دولت از آنجا نشأت می‌گیرد که او با وجود نقش موثری که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ به عنوان کاندیدای پوششی روحانی ایفا کرد و درخشش در مناظره‌های انتخاباتی، در دولت دوم روحانی (دولت دوازدهم) بسیاری از اختیاراتی را که در دولت یازدهم در اختیار داشت، از دست داد؛ با این حال حاضر به ترک دولت نشد.

منتقدان اصلاح‌طلب جهانگیری می‌گویند، ادامه حضور او در سمت معاون اولی با توجه به شناسنامه اصلاح‌طلبی او باعث شده است از یک‌سو، رای‌دهندگان پیش از پیش اصلاح‌طلبان را در ناامی‌های دولت دوازدهم شریک بدانند و از سوی دیگر، درخشش انتخاباتی دور پیشین او تحت‌الشعاع این ناکامی‌ها قرار بگیرد.

معاون اول رئیس‌جمهوری ابتدا در کلاب‌هاوس توضیح داد که در سال ۹۶ پیشنهاده اکبرهاشمی، رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام و سیدمحمد خامنی، رئیس دولت اصلاحات و موافقت حسن روحانی وارد صحنه انتخابات شده است و مقتضای وقای به عهد این بود که وقتی مردم را دعوت کرده است که رای بدهند، در دولت بماند و مسائل را پیگیری کند. او در این باره گفت: «من مسئول بودم که از ۲۴ میلیون رای رئیس جمهور حفاظت می‌کردم.»

جهانگیری به این سوال که دولت روحانی اصلاح طلب است یا اصولگرا؟ چنین پاسخ داد که روحانی هیچ وقت نگفته که اصلاح‌طلب است و هیچ وقت هم نگفته دولت اصلاح‌طلب تشکیل داده است. با این حال او تأکید کرد که «پست‌های کلیدی در دست کسانی است که سبقه اصلاح طلبی دارند.» به گفته این عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی، اصلاح طلبان در دو انتخابات گذشته با حمایت از روحانی می‌خواستند قطعه‌نامه‌های تحریمی رفع شود و روند توسعه ایجاد شود.

او یکی از ضعفای دولت را «لکنت زبان» دانست و گفت دولت نخست روحانی با اینکه درآمدهای افسانه‌ای نداشت، دستاوردهایش «خوب» بود؛ با این حال چون سفره مردم کوچک شده بود، امکان تشریح این دستاوردهای وجود نداشت. معاون اول رئیس‌جمهوری در این باره گفت: «وقتی سفره‌های مردم کوچک شده

نگفته‌ام نامزد نمی‌شوم

جهانگیری در واکنش به برخی اخبار که از حضور نیافتن او در رقابت انتخاباتی ۱۴۰۰ حکایت می‌کرد، گفت: «درمورد کاندیدا شدنم، هنوز تصمیم من بر «نه» است، ولی هیچ وقت نگفته‌ام نمی‌شوم. حتماً با بزرگان کشور مشورت می‌کنم. عده‌ای فقط دوست دارند بگویند کاندیدا می‌شوند. اما کار، کار سختی است و نیازمند انسجام و بسیاری از کارهاست.»

داستان ناتوانی

در امضای حکم منشی

معاون اول رئیس‌جمهوری در ادامه با مثالی توضیح داد که در دولت دوم روحانی چقدر دایره اختیاراتش کاهش یافته است؛ به نحوی که نتنها، دیگر هدایت تیم اقتصادی دولت را بر عهده ندارد، در برخی از تصمیم‌گیری‌های مهم نیز دخالت داده نمی‌شود. او در این باره گفت: «من در دور دوم، در تغییر هیچ معاون وزیر نقش نداشتم، تماما در دفتر رئیس‌جمهوری تصمیم‌گیری می‌شود، من فقط بعد از اینکه حکم داده شود، خبردار می‌شوم.»

جهانگیری همچنین در ادامه داستان نقل قول معروف و جنجالی‌اش درباره اینکه اکنون از امضای حکم برای منشی‌اش هم ناتوان شده است، تشریح کرد. او با بیان اینکه نخستین ملی، پول را واریز کردند به بانک زنجانی، جهانگیری اضافه کرد: «به بانک زنجانی نفت می‌دادند، اما او پولش را پس نمی‌داد، با این حال بازهم به او نفت می‌دادند.»

ماجرای مهدی جهانگیری

جهانگیری در ادامه حرف‌هایش دستگیری برادرش، مهدی، را یکی از هزینه‌های حضورش در انتخابات ریاست‌جمهوری سال برشمرد: «سه ماه بعد از حضورم، برادرم در بخش خصوصی را به نحو عجیبی گرفتند. من از رسانه‌ها فهمیدم بازداشتش کردند.» او با تأکید بر اینکه در مبارزه با فساد، هیچ خط قرمزی نباید وجود داشته باشد، در انتقاد با نحوه این مبارزه در کشور ما این سوال را مطرح کرد که چرا یک پروند کوچک‌را به بزرگترین پرونده تبدیل می‌کنند اما از یک پرونده بزرگ می‌یاری، هیچ صدایی در نمی‌آید؟

معاون اول رئیس‌جمهوری ادامه داد: «در آن پرونده‌ای که این همه در بوق و کرنا کردند، برادرم دو اتهام داشت، حتما هر وقت بتواند می‌آید اطلاع‌رسانی می‌کند. برادر من که قائم‌مقام من نبوده است، برادر من که معاون نبوده است، من هیچ ارتباط کاری با برادرم نداشتم. برادرهای من آن‌قدر جمله هستند که دفتر من هم نمی‌آیند. برادر من هر کاری که کرده در دولت احمدی‌نژاد کرده است.»

توضیحات حناچی درباره ورود شهرداری به خرید واکسن

روژه‌ای قبل از سال نو، تعداد مسافران‌ش از یک میلیون نفر افزایش نیافت، در حالی که ظرفیت عادی مترو پوشش حدود دو میلیون و ۲۰۰ هزار سفر در روز است و اتوبوسرانی نیز وضعیت مشابه داشت و در اوج آزادشدن همه فعالیت‌ها با یک میلیون نفر مسافر، فعالیت می‌کرد.

حناچی افزود: همین حالا ظرفیت روزانه مترو و اتوبوس کمتر از ۶۰۰ هزار نفر مسافر است که همه این موارد جزو عدم‌النفع ما در شهرداری تهران به دلیل کرونا است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به شهرداری خسارت وارد می‌کند.

طرح ورود شهرداری به خرید واکسن کرونا در شورای مدیران

نهادنדיان: بانک‌ها تا ۲۰ اردیبهشت گواهی عدم پرداخت چک صادر نکنند

صفحه ۴

محمد رضا ستاری

تشدید ۲ برابری رکود اقتصادی اروپا پس از موج دوم همه‌گیری کرونا

مترجم: محمد رضا ستاری

برآوردهای اولیه که از سوی سایت یورواستات منتشر شده، حاکی از آن است که اقتصاد اتحادیه اروپا و منطقه یورو، در سه ماهه سال ۲۰۲۱ همچنان با رکود مواجه بوده و به مسیر نزولی خود ادامه داده است.

تولید ناخالص داخلی ۱۹ کشور حوزه یورو در سه ماهه اول ۲۰۲۱ (ژانویه تا مارس)، ۰٫۶ درصد منقبض شده و اقتصاد اتحادیه اروپا

۰٫۴ درصد کاهش یافته است. طبق اعلام مرکز آمار اروپا در طول یک سال گذشته اقتصاد منطقه یورو ۱٫۸ درصد کاهش یافته و میزان تولید نیز در ۲۷ کشور عضو اتحادیه ۱٫۷ درصد ریزش داشته است.

اتحادیه اروپا و منطقه یورو در سه ماهه پایانی سال ۲۰۲۰ نیز هم‌زمان با شیوع موج جدید کرونا با روندی کاهشی مواجه شده بود، برای دومین فصل متوالی چهار رکود فنی و رشد منفی اقتصادی شاهد است.



ماجرای دلار جهانگیری

بخش دیگری از حرف‌های جهانگیری در شب‌نشینی آخر هفته با کاربران کلاب‌هاوس به ماجرای اعلام نرخ‌ی ارزی ۴۲۰۰ تومانی که به ارز جهانگیری معروف شد، اختصاص داشت. او داستان را چنین روایت کرد:

«ما با شروع دولت، سه نرخ ارز داشتیم، ارز ۲۴۷۷، ۱۲۰۰، و ارز آزاد که از اسفند ۹۱ حدود ۴ هزارتومان بود، ولی با شروع این دولت روند کاهش پیدا کرد.

روزهای اول، دوتا ارز اول را باهم ادغام کردیم، چون فکر می‌کردیم که باید تک‌نرخ‌ی شود. مدتی طولانی در زمان دولت یازدهم، نرخ دلار در محدوده ثابتی حرکت کرد. در پایان دولت یازدهم، دلار در کانال سه هزارتومان بود. در سال ۹۵، شوکی در بازار ایجاد شد، عمدتا دیگر بازار رفت روی سوازکارهای اقتصادی مثل عرضه سکه ولی معلوم شد که پایدار نیست.

در مرداد که رئیس جدید بانک مرکزی آمد، جلسه سران سه قوه تشکیل شد، در آن جلسه بحث سیاست‌های ارزی بررسی شد؛ باید تصمیم جدی گرفته می‌شد، آنجا بر اساس اصرار برخی از سران قوای سه‌گانه، تصمیم بر این شد که ارز ۴۲۰۰ بماند.

اینکه گفته می‌شود ارز جهانگیری، باید بگویم وقتی آن شب تصمیم‌گیری شد، اعضای دولت بودند. پایان تصمیم‌گیری در آن جلسه، اعضای دولت و برخی از مشاورین رسانه‌ای آقای رئیس‌جمهوری پیشنهاد کردند برای اینکه تحت عنوان تصمیم دولت در جامعه جا بیافتد، جهانگیری آن را اعلام کند، اما من مخالف بودم. این ارز ۴۲۰۰ مصوبه جلسه سران سه قوه است؛ اینکه آقایان درموردش اظهار نظر نکردند، سخت به بعد با خودشان بر می‌گردد.

ارز کنترل‌ی فیکس تقریباً در ۹۰ درصد سال‌ها انجام گرفته شد. ما در دوره آقای‌هاشمی، ارزهای مختلفی داشتیم، ۶۰ تومان بود، ۸۰ تومان هم داشتیم، بعد از مدتی ارز تثبیتی ۱۸۰ تومان گذاشتند؛ در دوره آقای خاتمی هم دو نرخ بود.

بعد از آقای احمدی‌نژاد، ارز فیکس ۱۲۲۴ تومان را اعلام کردند و بعد بصورت سه نرخ شد. اکثر تصمیم‌های غیراقتصادی از جمله ارز ۴۲۰۰ تومانی به دلیل شرایط جنگ اقتصادی بود. من در جلسه مربوط به ارز ۴۲۰۰ تومانی، می‌خواستم ارز ۴۲۰۰ تومانی را شناور کنم تا فیکس نباشد و با نرخ تورم تغییر کند. الان فکر می‌کنم بهتر از ارز ۴۲۰۰ تومان این است که باید از زندگی مردم حراست بکنیم.»

وی افزود: شخصاً ترجیح می‌این است که ما جزو اولین‌ها برای دریافت واکسن نیاشیم و وقتی همه مردم واکسن دریافت کردند، ما نیز واکسن دریافت کنیم و حتی اگر جزو آخرین‌ها باشیم به جایی برنمی‌خورد.

تکیب: typhendmitriy

منبع: راشاتودی